

گفتار سوم

موعظه

مقدمه

از راه‌های دعوت کردن مردم به سوی خدای کریم، ترغیب به پاداش و دوری از گناه و عذاب الهی است. موعظه قلب‌ها را نرم و انسان را از حالت غفلت بیدار و به هویت انسانی برمی‌گرداند و از آن جایی که این روش مهم می‌باشد خداوند یکی از راه‌های دعوت به خویش را از طریق موعظه بیان کرده است و در آیه‌ای می‌فرماید: ﴿ادْعُ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحُكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَجَادِلْهُمْ بِالَّتِي هِيَ أَحْسَنُ﴾^۱ با حکمت و اندرز نیکو، به سوی راه پروردگارت دعوت نما و با آنها به طریقی که نیکوتر است استدلال و مناظره کن. ناگفته نماند که به نظر می‌رسد علت تعدد روش در دعوت به سوی خدا این باشد که چون مردم از نظر بیش و درک و نرمی و سختی قلب متفاوت هستند، خدا برای گروهی روش استدلال و برای گروهی روش موعظه و برای گروهی روش جدال را به پیامبر اسلام صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ پیشنهاد کرده است. نکته: مبلغین محترم چون کارشان دعوت به دین خداست و سر و کارشان با افراد متعدد می‌باشد، ناگزیر باید از این سه روش و طریق استفاده نمایند.

تعریف موعظه

موعظه یعنی پند و اندرز. از خلیل دانشمند معروف عرب در کتاب مفردات راغب نقل شده است: موعظه عبارت است از تذکر دادن نیکی‌ها که توأم با رقت قلب باشد، در واقع هر گونه اندرزی که در مخاطب تاثیر بگذارد، او را از بدی‌ها بترساند و یا قلب او را متوجه نیکی‌ها گرداند، وعظ و موعظه نامیده می‌شود.^۲ البته مفهوم این سخن آن نیست که هر موعظه‌ای باید تاثیر داشته باشد، بلکه منظور آن است که در قلب‌های آماده بتواند چنین اثری بگذارد.^۳

۱. نحل، آیه ۱۲۵.

۲. تفسیر نمونه، ج ۸، ص ۳۱۸.

۳. همان.

نمونه‌های از موعظه در قرآن

۱. موعظه خدا به حضرت نوح علیه السلام:

﴿قَالَ يَا نُوحُ إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ أَهْلِكَ إِنَّهُ عَمَلٌ غَيْرُ صَالِحٍ فَلَا تَسْأَلنِ مَا لَيْسَ لَكَ بِهِ عِلْمٌ إِنِّي أَعِظُكَ

أَنْ تَكُونَ مِنَ الْجَاهِلِينَ﴾^۱ خداوند فرمود: ای نوح، او از اهل تو نیست، او عمل غیر صالحی است، بنابراین آنچه را از آن آگاه نیستی از من نخواه، من به تو اندرز می‌دهم تا از جاهلان نباشی.

۲. موعظه خدا به مردم:

الف: ﴿وَاذْكُرُوا نِعْمَتَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ وَمَا أَنْزَلَ عَلَيْكُمْ مِنَ الْكِتَابِ وَالْحِكْمَةِ يَعِظُكُمْ بِهِ وَاتَّقُوا اللَّهَ

وَاعْلَمُوا أَنَّ اللَّهَ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ﴾^۲ به خاطر بیاورید نعمت خدا را بر خود و کتاب آسمانی و علم و دانشی که بر شما نازل کرده و شما را به آن پند می‌دهد.

ب: ﴿إِنَّ اللَّهَ بِأَمْرٍ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ

لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ﴾^۳ خداوند فرمان به عدل و احسان و بخشش به نزدیکان می‌دهد و از فحشا و منکر و ظلم و ستم نهی می‌کند، خداوند به شما اندرز می‌دهد، شاید متذکر شوید.

۳. دعوت پیامبر بر موعظه کردن به منافقان

﴿أُولَئِكَ الَّذِينَ يَعْلَمُ اللَّهُ مَا فِي قُلُوبِهِمْ فَأَعْرِضْ عَنْهُمْ وَعِظْهُمْ وَقُلْ لَهُمْ فِي أَنفُسِهِمْ قَوْلًا بَلِيغًا﴾^۴

آنها کسانی هستند که خدا آن چه را در دل دارند می‌داند از (مجازات) آنها صرف نظر کن، و آنها را اندرز

بده و با بیانی رسا نتایج اعمالشان را به آنها گوشزد نما.

۱. هود، آیه ۴۶.

۲. بقره، آیه ۲۳۱.

۳. نحل، آیه ۹۰.

۴. نسا، آیه ۶۳.

۴. موعظه لقمان به پسرش

﴿وَإِذْ قَالَ لُقْمَانُ لِابْنِهِ وَهُوَ يَعِظُهُ يَا بُنَيَّ لَا تُشْرِكْ بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾^۱ به خاطر آور هنگامی را که لقمان به فرزندش گفت در حالی که او را موعظه می کرد، پسرم چیزی را شریک خدا قرار مده که شرک ظلم بزرگی است.

۵. دعوت خدا به مردها در مقابل آن دسته از زنانی را که از مخالفتشان بیم دارند
﴿وَاللَّاتِي تَخَافُونَ نُشُوزَهُنَّ فَعِظُوهُنَّ﴾^۲ آن دسته از زنان را که از طغیان و مخالفتشان بیم دارید پند و اندرز دهید.

چه چیزهایی در قرآن به عنوان موعظه معرفی شده است؟

۱. قرآن

الف: ﴿يَا أَيُّهَا النَّاسُ قَدْ جَاءَكُمْ مَوْعِظَةٌ مِّن رَّبِّكُمْ﴾^۳ ای مردم اندرزی از سوی پروردگارتان برای شما آمده است.

ب: ﴿وَلَقَدْ أَنْزَلْنَا إِلَيْكُمْ آيَاتٍ مُّبِينَاتٍ وَمَثَلًا مِّنَ الَّذِينَ خَلَوْا مِن قَبْلِكُمْ وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ﴾^۴ ما بر شما آیاتی فرستادیم که حقایق بسیاری را تبیین می کند و اخباری از گذشتگان که پیش از شما بودند و موعظه و اندرزی برای پرهیزگاران.

ج: ﴿هَذَا بَيَانٌ لِّلنَّاسِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةٌ لِّلْمُتَّقِينَ﴾^۵ این بیانی است برای مردم و هدایت و اندرزی برای پرهیزگاران است.

۱. لقمان، آیه ۱۳.

۲. نساء، آیه ۳۴.

۳. یونس، آیه ۵۷.

۴. نور، آیه ۳۴.

۵. آل عمران، آیه ۱۳۸.

۲- تورات

﴿وَكَتَبْنَا لَهُ فِي الْأَلْوَابِ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مَوْعِظَةً﴾^۱ و برای تو در الواح اندرزی از هر چیزی نوشتیم.

۳- اخبار انبیای گذشته

﴿وَكَلَّا نَقْصُ عَلَيْكَ مِنْ أَنْبَاءِ الرُّسُلِ مَا نُثَبِّتُ بِهِ فُؤَادَكَ وَجَاءَكَ فِي هَذِهِ الْحَقُّ وَمَوْعِظَةٌ وَذِكْرَى

لِلْمُؤْمِنِينَ﴾^۲ ما هر یک از سرگذشت‌های انبیاء را برای تو بازگو کردیم تا قلبت آرام گردد و در این (اخبار) حق و موعظه و تذکر برای مومنان است.

ویژگی‌های موعظه در آیات و روایات

۱. موعظه همراه مهربانی و تلاف باشد:

﴿وَإِذْ قَالَ لَقْمَانَ لَبِئْسَ مَا تَدِينُ وَهُوَ يَعْظُهُ﴾^۳ از تعبیر پسر (بنی) استفاده می‌شود که موعظه باید همراه با مهربانی

باشد.

۲. حسنه و نیک باشد:

﴿وَالْمَوْعِظَةُ الْحَسَنَةُ﴾^۴ ای پیامبر مردم را از طریق پند و اندرز نیک به سوی خدا دعوت کن.

۳. با زبان نرم و لین باشد:

﴿أَذْهَبَا إِلَىٰ فِرْعَوْنَ إِنَّهُ طَغَىٰ فَقَوْلَا لَهُ قَوْلًا لَيْنًا لَعَلَّهُ يَتَذَكَّرُ أَوْ يَخْشَىٰ﴾^۵ به سوی فرعون بروید که

طغیان کرده است، اما به نرمی با او سخن بگویید شاید متذکر شود و از خدا بترسد.

۴. استدلالی باشد:

۱. اعراف، آیه ۱۴۵.

۲. هود، آیه ۱۲۰.

۳. لقمان، آیه ۱۳.

۴. نحل، آیه ۱۲۵.

۵. طه، آیه ۴۳، ۴۴.

این شرط از موعظه امام حسین علیه السلام به آن مرد گنهکار استفاده می‌شود. شخصی آمد خدمت امام علیه السلام و عرض کرد من مردی گنهکارم و در برابر گناه تاب ندارم، مرا نصیحتی فرما. فرمود: پنج کار را انجام بده آن گناه هر چه خواهی گناه کن؛ اول: روزی خدا را نخور، هر چه خواهی گناه کن، دوم از قلمرو فرمانروایی خدا بیرون رو و هر چه خواهی گناه کن، سوم: به جایی برو که خدا تو را نبیند و هر چه خواهی گناه کن. چهارم: هر گناه فرشته مرگ آمد تا جان تو را بگیرد او را از خود بران و هر چه خواهی گناه کن. پنجم: هر گناه مالک دوزخ (خواست) تو را در آتش افکند، در آتش مرو و هر چه خواهی گناه کن.^۱

نمونه‌هایی از موعظه در روایات

موعظه جبرئیل به پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله: «قال رسول الله لجبرئیل عظمی فقال یا محمد عش ما شئت فانک میت و احبب ما شئت فانک مفارقه و اعلم ما شئت فانک ملائیه»^۲ رسول اکرم صلی الله علیه و آله به جبرئیل فرمود: مرا موعظه ای کن. جبرئیل گفت یا محمد: زندگی کن هر جوری که خواستی، بدرستی که آخر می‌میری، هر چه می‌خواهی دوست داشته باش، به درستی که سرانجام از او جدا می‌شوی؛ هر کاری می‌خواهی بکن، به درستی که به آن جزا داده می‌شوی.

سؤال: چرا پیامبر صلی الله علیه و آله از جبرئیل طلب موعظه می‌کند؟ جواب: هر یک از اعضاء و جوارح عبادتی مخصوص دارند، پیامبر صلی الله علیه و آله به خاطر عبادتی که مخصوص گوش است و آن هم از راه شنیدن حاصل می‌شود، به جبرئیل فرمود که مرا موعظه کن.^۳

نکته: از این روایت استفاده می‌شود که در موعظه مقام و شخصیت شرط نیست.

موعظه معصومین: که نمونه‌ای از آن در روایت امام حسین علیه السلام گذشت و همچنین از آن حضرت نقل شده است: «بابن آدم تفکر و قل این ملوک الدنيا و اربابها، الذین عمروا، و احترفوا انهارها و غرسوا اشجارها و مدنوا مدائنها، فارقوها و هم کارهون، و ورثها قوم آخرون و نحن بهما قلیل لاقنون»^۴ ای فرزند آدم بیندیش و بگو: پادشاهان و دنیاداران کجا رفتند؟ آنان که دنیا را آباد ساخته و نهرها را حفر نمودند،

۱. فرهنگ جامع سخنان امام حسین ۷، ترجمه علی مویدی، ص ۸۴۳.

۲. خصال شیخ صدوق، ص ۶۵.

۳. تقریر درس‌های از قرآن، محسن قرائتی.

۴. فرهنگ جامع، ص ۸۴۲.

درختان کاشتند، شهرها به پا داشتند (سرانجام) از آن جدا گشتند در حالی که خوش نداشتند و گروهی دیگر وارث آنان شدند ما نیز به زودی به آنها می‌پیوندیم.

موعظه اباذر به شخصی که از او طلب موعظه کرد: یکی از نصیحت طلبان به اباذر نوشت که مرا موعظه کن. اباذر هم در جواب مرقوم فرمود: به عزیزترین دوستانم ستم مکن. دوباره آن شخص در جواب نوشت که این مطلب روشنی بود، انسان که به دوست عزیزش ستم نمی‌کند. اباذر جواب فرمود: عزیزترین افراد نسبت به آدم خود آدم است. هیچ کس به اندازه خود آدم پیش انسان عزیز نیست. فرمود: جان خود را نیازار و آسیب نرسان. چون هر گناهی را که انسان مرتکب شود فشاری است که به جان خود وارد می‌کند.^۱

چه کسانی موعظه پذیرند

۲،۱. کسانی که ایمان به خدا و روز قیامت دارند.

﴿ذَلِكُمْ يُوعَظُ بِهِ مَنْ كَانَ يُؤْمِنُ بِاللَّهِ وَالْيَوْمِ الْآخِرِ﴾^۲ افرادی که ایمان به خدا و روز قیامت دارند به

دستورهای الهی اندرز داده می‌شوند.

بلی کسانی تن به موعظه می‌دهند که ایمان به مبدا و معاد داشته باشند. قرآن علت این که افرادی معاد را

باور نمی‌کنند چنین معرفی می‌کند: ﴿لَا يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ﴾^۳ چرا که اگر معاد و روز قیامت را باور کنند دیگر نمی‌توانند آزاد باشند.

۴،۳. کسانی که از قرآن پیروی می‌کنند و از خداوند در پنهانی می‌ترسند

﴿إِنَّمَا تُنذِرُ مَنِ اتَّبَعَ الذِّكْرَ وَخَشِيَ الرَّحْمَنَ الْغَيْبَ﴾^۴ و تنها کسی را انذار می‌کنی که از این یادآوری

الهی پیروی کنند و از خداوند رحمان در غیب بترسند.

۵. زنده دلان پذیرای موعظه هستند.

﴿يُنذِرَ مَنْ كَانَ حَيًّا وَيَحِقُّ الْقَوْلُ عَلَى الْكَافِرِينَ﴾^۵ هدف پیامبر ﷺ این است که افرادی را که زنده‌اند،

انذار کند و بر کافران اتمام حجت شود و فرمان عذاب بر آنها مسلم گردد.

۱. اسرار عبادت، جوادی آملی، عبدالله، ص ۱۲۸.

۲. طلاق، آیه ۲.

۳. قیامت، آیه ۵.

۴. یس، آیه ۱۱.

۵. همان، آیه ۷۰.

اقسام موعظه در قرآن

۱. موعظه اعتقادی: ﴿يَا بَنِيَّ لَا تُشْرِكُوا بِاللَّهِ إِنَّ الشِّرْكَ لَظُلْمٌ عَظِيمٌ﴾^۱

۲. موعظه اخلاقی: ﴿وَلَا تَمْشِ فِي الْأَرْضِ مَرَحًا﴾^۲

۳. موعظه عملی (احکام): ﴿أَقِمِ الصَّلَاةَ وَأْمُرْ بِالْمَعْرُوفِ﴾^۳

انواع موعظه

موعظه یا زبانی است یا عملی

حکایت در موعظه زبانی:

شخصی خدمت آیه‌الله العظمی اراکی رسید و آقا به ایشان فرمود: شغل شما چیست؟ عرض کرد: نجار هستم. فرمود: این همه در و پنجره برای خانه مردم ساختی آیا برای قلب و دلت دری ساختی که نامحرم را در آن راه ندهی.^۴

حکایت دیگر: در زمان علامه مجلسی رحمته الله علیه در اصفهان تاجری بود که لات‌ها او را اذیت می‌کردند. آقای تاجر خدمت علامه رسید و اصل جریان را برایش تعریف کرد. گویند، علامه فرمود: یک شبی این‌ها را دعوت کن، من هم می‌آیم. تاجر این‌ها را دعوت کرد. وقتی آمدند خیال کردند که تاجر هم وارد مسلک این‌ها شده است، یک دفعه دیدند که علامه وارد شدند. علامه رفت کنار رئیس لات‌ها نشست و شروع کرد به احوال‌پرسی و سخن گفتن. فرمود: روش و منش شما چیست؟ رئیس لات‌ها گفت: هر کجا نمک بخوریم نمکدان نمی‌شکنیم (یعنی اگر تا امروز این آقا را اذیت می‌کردیم از امروز به بعد دیگر او را اذیت نمی‌کنیم) علامه فرمود: دروغ می‌گویید. گفت: نه آقا روش ما این است. باز علامه فرمود: دروغ می‌گویید. شما یک عمر نمک خدا را خوردید و نمکدان را می‌شکنید. تا این حرف را مرحوم علامه زد آن شخص تکان خورد و به خود آمد و نقل شده در همان مجلس به دست علامه رحمته الله علیه توبه کرد و رفقایش هم جزء آدم‌های خوب شدند.^۵

۱. لقمان، آیه ۱۳.

۲. همان، آیه ۱۸.

۳. همان، آیه ۱۷.

۴. تقریر درس اخلاق آیه‌الله مجتهدی تهرانی، با اندکی تلخیص.

۵. همان.

حکایت در موعظه عملی

از بزرگی پرسیدند: سبب بیداری شما از غفلت چه بود. گویند روزی در بازار برده فروشی غلامی را دیدم. گفتم: اسمت چیست؟ گفت هر چه بخواهی، فهمید که می‌خواهد او را بخرد، گفت تو را بخرم؟ گفت: اگر بخواهی، گفت: خوراک تو چیست؟ گفت: هر چه بخورانی. گفت: لباس چیست؟ گفت: هر چه بپوشانی. گفت: کجا مسکنت دهم؟ گفت: هر جا که دهی. گفت ای غلام این چه جوابی بود که می‌دادی؟ گفت: آقا غلام را با خواستن چه کار، هر چه مولایش گفت باید گوش دهد. آن بزرگ گوید: آن برخورد غلام سبب شد که از خواب غفلت بیدار شدم و بنده خدا شدم.^۱

نمونه موعظه قرآنی و تأثیر آن

﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ﴾^۲ در طول تاریخ افراد بسیار آلوده‌ای را می‌بینیم که با شنیدن این آیه تکان خوردند و در یک لحظه با تمام گناهان خود وداع گفتند و حتی در صف زاهدان و عابدان قرار گرفتند، از جمله سرگذشت معروف فضیل عیاض است. فضیل که در کتاب رجال یکی از راویان موثق از امام صادق علیه السلام و از زهاد معروف معرفی شده و در پایان عمر در جوار کعبه می‌زیست و همان‌جا در روز عاشورا بدرود حیات گفت، در آغاز راهزن خطرناکی بود که همه مردم از او وحشت داشتند. از نزدیکی یک آبادی می‌گذشت دخترکی را دید و نسبت به او علاقه‌مند شد. عشق دخترک فضیل را وادار کرد که شب هنگام از دیوار خانه او بالا رود و تصمیم داشت به هر قیمتی که شد به وصال او نائل گردد، در این هنگام بود که در یکی از خانه‌های اطراف شخص بیدار دلی مشغول تلاوت قرآن بود و به همین آیه رسید: ﴿أَلَمْ يَأْنِ لِلَّذِينَ آمَنُوا أَنْ تَخْشَعَ قُلُوبُهُمْ لِذِكْرِ اللَّهِ وَمَا نَزَلَ مِنَ الْحَقِّ﴾ این آیه همچون تیری در قلب فضیل نشست، درد و سوزی در درون دل احساس کرد، تکان عجیبی خورد، اندکی در فکر فرو رفت این کیست که سخن می‌گوید؟ و به چه کسی این پیام را می‌دهد؟ به من می‌گوید: ای فضیل «آیا وقت آن نرسیده است که بیدار شوی، از این راه خطا برگردی، از این آلودگی خود را بشویی و دست به دامن توبه زنی؟» ناگهان صدای فضیل بلند شد و پیوسته می‌گفت: «بلی و الله قدآن، بلی و الله قدآن، به خدا سوگند وقت آن رسیده است»، او تصمیم نهایی خودش را گرفته بود و با یک جهش برق آسا از صف اشقیای بیرون پرید و در صفوف

۱. همان.

۲. حدید، آیه ۱۶.